



بررسی انتقادی گفتمان وجوه افعال و وجهیت آن در نفثه المصدور زیدری نسوی

صدیقه زالکان^۱

۱- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

وجوه افعال و بیان وجهیت از مولفه‌های گفتمان مدار فرکلاف^۱ است که در تحلیل گفتمان انتقادی مورد کنکاش قرار می‌گیرد. براساس نظر کارشناسان تحلیل انتقادی گفتمان، گفته یا سخن نوعی عمل است که در بافت و موقعیت انجام می‌یابد. به همین دلیل افرادی همچون فرکلاف و دیگر محققان که در این زمینه، شاخص و صاحب نظر هستند عقیده شان بر این است که از ویژگی‌های بافت کلام بویژه از ایدئولوژی و توازن قدرت بهره یابند و توجیه‌های لازم را از لایه‌های زیرین کلام بیرون بیاورند. بنابراین بررسی جنبه‌های دستوری متن به عنوان یکی از مولفه‌های فرکلاف است. فرکلاف از سه وجه اصلی: خبری، پرسشی دستوری و امری، همچنین دو وجهیت بیانی و رابطه ای نام می‌برد. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی بر مبنای نظریه‌ی فرکلاف در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که: از کدام وجه‌ها در نفثه المصدور استفاده شده است؟ و کارکرد گفتمانی هر یک از وجوه مورد بررسی بر چه چیز یا چیزهایی دلالت دارد؟ (بیان وجهیت). نتایج حاصل از این تحقیق گویای این است نویسنده از گفتمان وجوه افعال با توجه به جدول بخش توصیف به طور یکسان در متن خود استفاده نمی‌کند بلکه وجوه سه گانه‌ی اخباری، پرسشی و امری را بر حسب ضرورت و قصد و نیت خود به کار گرفته است. نتیجه‌ی تحقیق در پاسخ پرسش دوم این است کارکرد گفتمانی وجهیت فعل اخباری، بیشتر در بیان حقیقت‌ها، رخدادها که راوی عمیقاً به وجود آنان اعتماد و اطمینان داشت و نیز بخش عمده ای از دغدغه‌های اوست، استفاده شده است. در کارکرد گفتمانی وجهیت فعل پرسشی، نویسنده در تلاش است که عاملان و کارگزاران را به زیر تیغ محاکمه برده و عملکرد آنها را در معرض قضاوت عموم قرار دهد. نویسنده با طرح چنین پرسش‌هایی سعی داشت مخاطبان را به تفکر و غافلان را به بیداری فراخواند. زیدری نسوی در کارکرد گفتمانی وجهیت فعل امری می‌کوشد با خطاب‌های مستقیم به مخاطب، ضمن درگیر کردن مخاطب در فرآیند ایجاد معنا، خود نیز از حالت انفعال و گریز موجود بر کنار مانده و در این بخش‌ها به پویایی و کنش مندی گزاره‌ها افزوده باشند.

کلیدی واژه‌ها: نفثه المصدور، زیدری نسوی، وجوه افعال و بیان وجهیت، تحلیل گفتمان انتقادی، فرکلاف

¹ - Fairclough



COMSTEC Inter-Islamic Network
on Virtual Universities

Holding time: March 2021

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

مقدمه

نفته المصدور یکی از مهمترین کتب تاریخی- ادبی است که در نیمه‌ی اول قرن هفتم هجری به قلم شهاب الدین محمد خرنذری زیدری نسوی به نگارش در آمده است وی از نویسندگان و منشیان دربار سلطان جلال الدین خوارزمشاه منکبرنی بوده است که نسبت به سلطان ارادت بسیار داشته و در اغلب لشکرکشی‌ها و سفرهای سلطان حضور داشته است دوره‌ی زندگی این نویسنده یکی از پر تلاطم ترین دوران تاریخ و همزمان با حمله‌ی مغول به ایران بوده است. سلطان جلال الدین خوارزمشاه پس از مبارزه‌ی فراوان در سال ۶۲۸ هجری در جبال میافارقین کشته می‌شود وزیدری نسوی پس از مرگ سلطان مدتی در سرزمین‌های آسیای صغیر و آذربایجان بلا تکلیف به سر می‌برد. سپس به دربار ملک مظفر شهاب الدین غازی از سلاطین کرد ایوبی می‌پیوندد و «چهار سال پس از اقامت در میافارقین و بعد از اطلاع از عاقبت دردناک کار جلال الدین این اثر را به رسم بٹ شکوی و در شرح دشواریهای سلطان و خود» (صفا، ۱۳۸۶، ۳/۲: ۱۱۸۱) نوشته است.

اصطلاح گفتمان، «معمولاً به شکلی از کاربرد زبان مثلاً در یک سخنرانی و یا حتی به طور کلی تر به زبان گفتاری یا شیوه‌ی سخن گفتن اشاره دارد» (ون دایک، ۱۳۸۹: ۱۶).

یکی از ویژگی‌های گفتمان، رخداد ارتباطی است به این معنا که مردم، زبان را برای برقراری ارتباط میان اندیشه، باور و بیان احساسات به کار می‌گیرند.

اصطلاح تحلیل گفتمان، که در زبان فارسی به «سخن کاوی، تحلیل کلام، گفتمان کاوی و تحلیل گفتار» (قجری و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۵) ترجمه شد یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که از اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ تا اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ ظهور یافت و به این مقوله می‌پرداخت که چگونه «جملات واحدهای معنادار بزرگتری مانند مکالمه یا انواع متون را» (آقا گل زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۹) به وجود می‌آورند.

تحلیل گفتمان انتقادی، نوعی پژوهش گفتمانی است که بیشترین وجه جامعه‌شناسی «فاضلی، ۱۳۸۳: ۸۸) داشته است. این دیدگاه به ساختن هویت‌ها در چارچوب زبان، توجه داشته است و نشان می‌دهد که «چگونه گفتمان، ساختارهای قدرت را خلق می‌کند» (نوردگه، ۱۳۹۴: ۱۰۶).

فرکلاف به عنوان شاخص ترین فرد نظریه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی، وجوه افعال و وجهیت را از مولفه‌های بخش توصیف معرفی می‌کند. وجوه افعال و وجهیت از جمله‌ی مواردی است که با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند. وجه فعل، میزان قطعیت نظر گوینده را نسبت به آن چه می‌گوید، نشان می‌دهد و از سوی دیگر، روابط میان نویسنده و مخاطب را باز می‌نماید، یعنی نشان می‌دهد که نویسنده چه عملی را نسبت به خواننده انجام می‌دهد و وجهیت، میزان پایبندی متن به عقاید و ایدئولوژی‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. زیرا ذهنیت، تعهدات و دیدگاه‌های گوینده/ نویسنده در عناصر وجه ساز به صورت پوشیده و پنهان عمل می‌کند.

بنابراین تحلیل گر، در گفتمان شناسی انتقادی از حد توصیف و چونی پارافراتر گذاشته و به حوزه‌ی توجیه و چرایی می‌رسد» (یار محمدی، ۱۳۹۵: ۵۳) از این رو، اثر نفته المصدور زیدری نسوی (۱۳۸۱) قابلیت آن را دارد که به عنوان اثری انتقادی براساس الگوی فکری فرکلاف مورد نقد و تحلیل گفتمانی وجوه افعال و وجهیت قرار گیرد. و برای تحلیل ارتباط متن با فرآیندهای



تولید، شیوه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در این اثر، متوجه سه بعد است: ۱- توصیف: تحلیل متن ← فرآیند تولید؛ ۲- تفسیر: تحلیل عمل گفتمانی ← فرآیند تفسیر؛ ۳- تبیین: تحلیل عمل اجتماعی ← شرایط اجتماعی تفسیر.



COMSTech Inter-Islamic Network
on Virtual Universities

Holding time: March 2021

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

بیان مسئله

زیدری نسوی در سبک نویسندگی خود چهره ای شاخص محسوب می شود او در متن روایی، تاریخی- ادبی خود، نهاد های قدرت مدار و نیروهای متجاوز و مهاجم (تاتار و مغول) را به چالش کشیده و با انعکاس اضطرابها، ترسها و اجبارهای عصر خود، اثر خود را برجسته و منسجم مبدل کرده است. آشکار است که این نگاه زیدری نسوی به تاریخ نگاری و روایت متن، دغدغه ای جز درد و رنج جانکاه نبوده است و اعتراض و انتقاد خود را نسبت به گفتمان های قدرت مدار به خوبی به مخاطب نشان میدهد. از این رو، بازنگری لایه های عمیق و سطحی متن نفثه المصدور با توجه به مولفه های وجوه افعال و وجهیت در بستر تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف می توانست کیفیت ارزیابی و سنجش نگرشها و دیدگاهها را برای مخاطب آشکار سازد. بنابراین مقاله ای حاضر با استفاده از چنین رویکرد و با جستجوی در پیوند ادبیات، جامعه شناسی و زبان شناسی در تلاش است که خوانشی جدید از بازگویی حقایق پنهان و آشکار عصر مولف / زیدری نسوی بدست دهد تا با کسب چنین تجربه، راهی امیدوارانه برای حل مشکلات و چالشها در مسیر سیاست، اجتماع و فرهنگ ارائه دهد.

سوالات تحقیق

پرسش های خود را این گونه مطرح می کنیم:

۱. از کدام وجهها در نفثه المصدور استفاده شده است؟ (خبری، پرسشی دستوری و امری).
۲. کارکرد گفتمانی هر یک از وجوه مورد بررسی بر چه چیز یا چیزهایی دلالت دارد؟ (بیان وجهیت).

پیشینه پژوهش

تاکنون عمده مطالعات انجام یافته به صورت پایان نامه و مقاله در نفثه المصدور بر روی موضوعاتی همچون، مطالعات زبانی شناختی، بلاغی، سبک شناسی و تحلیل محتوایی متمرکز بوده است که به برخی از آنها اشاره می شود. سمیرا عامری سفید (۱۳۹۵) در پایان نامه تحت عنوان «پیوند نحو و اندیشه در نفثه المصدور» نشان داده است که این اثر دارای نظم دستوری نزدیک به معیار است. نسرین پارسا (۱۳۹۶) در پایان نامه ای با موضوع «بررسی انتقال معنایی در افعال نفثه المصدور» می گوید واژه های فعلی که معنای اصلی خود را از دست داده اند، معنی خود را به صورت های زبانی هم نشین می دهند تا معنای تازه ای دریافت جدید پیدا کنند. در حوزه ای مقاله نیز، موضوعات بسیاری در نفثه المصدور به چاپ رسیده که می توان به دو مقاله ای زیر محدود کرد. سمیه حاجتی و خزانه دارلو (۱۳۹۴) در مقاله ای «کار بست گفتمان کاوی در نفثه المصدور زیدری نسوی» مولفه هایی همانند غیریت سازی، تکثر قدرت، راه کارهای گفتمانی، برجسته سازی، حاشیه رانی و واژگان هسته ای و غیره هسته ای، را رمزگشایی کرده و نشان داده اند زیدری نسوی با بهره گیری از سازوکارهای مضمونی و زبانی، ضمن خلق گفتمان انتقادی منسجم که محور مرکزی شکایت و انتقاد پایه گذاری شده است، در روایت تاریخ، نوآوری به وجود آورده است. سهیلا صادقی و همکارش (۱۳۹۷) در مقاله ای تحت عنوان «بررسی زبان شناختی نفثه المصدور» با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی بر اساس الگوی تحلیلی یارمحمدی (۱۳۹۱) و نظریه یون لیوون (۱۹۹۶) بر این عقیده اند زیدری نسوی به موازات مولفه های اظهار با قرینه ای لفظی و فحوایی از مولفه ای حذف استفاده بسیار کرده است.



موضوع وجوه افعال و وجهیت آن یکی از جنبه‌های اصلی مورد بررسی در این مقاله است که در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران بوده است و اشاره به برخی مطالعات انجام شده در این خصوص مفید خواهد بود. از جمله می‌توان به شهرزاد ماهوتیان (۱۳۸۲)، ژیلیرلازار (۱۳۸۴)، امید طیب زاده (۱۳۸۵)، نگین ایلخانی پور (۱۳۹۴)، جلال رحیمیان (۱۳۷۸)، محمد عموزاده و حدائق رضایی (۱۳۸۹)، محمد عموزاده و شادی شاه ناصری (۱۳۹۰)، و منوچهر اکبری و مونا ملی پور (۱۳۹۵) اشاره کرد. و همچنین باید یادآور شویم عمده‌ی مطالعات و تحقیقات این پژوهشگران راجع به وجوه افعال و وجهیت آن در آثاری غیر از نفثه المصدور صورت گرفت که با توجه به این توضیحات، مشخص می‌شود که تاکنون پژوهشی در این حوزه در نفثه المصدور زیدری نسوی با رویکرد انتقادی فرکلاف صورت نگرفت که عنوان مقاله‌ی پیش روی در جایگاه خود کاری غیر تکرار است.

اهداف و ضرورت تحقیق

نفثه المصدور زیدری نسوی، اثری تاریخی- ادبی قرن هفتم هجری است که نویسنده در آن هم به روایت قتل و غارت مغولان پرداخته و هم عواطف خود را نسبت به سرور خود- سلطان جلال الدین - ایراد کرده است لذا این اثر قابلیت آن را دارد که با رویکردی تازه شناخته شود. برای به دست آوردن نتایج علمی تازه، دقیق و جامع؛ نیازمند پژوهش میان رشته‌ای و به کارگیری روش‌های تازه در پژوهش هستیم. از این رو، مقاله‌ی حاضر در تلاش است گفتمان رایج و انتقادی کارکردهای وجوه افعال و بیان وجهیت در این اثر را بر اساس الگوی فکری فرکلاف در سطوح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی نماید تا نشان دهد نه تنها بین صورت و محتوا ارتباطی برقرار است بلکه بین محتوا و نقش هم رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش بررسی در این مقاله، توصیفی- تحلیلی است. ابتدا به مطالعه‌ی منابع کتابخانه‌ای راجع به تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته‌ایم و نیز کتب تاریخی و ادبی که بیانگر وقایع سیاسی و اجتماعی عصر نویسنده که می‌توانست تا اندازه‌ای بر ذهن راوی تأثیر گذار باشد را نیز در نظر گرفته‌ایم. سپس با مطالعه‌ی نفثه المصدور زیدری نسوی (۱۳۸۱) با تصحیح و توضیح امیرحسین یزدگردی به استخراج واژگان وجه خبری، پرسشی و امری در متن او پرداختیم که ارتباط معنی داری میان حضور این دسته از واژگان در متن و حوادث واقع در عصر نویسنده بر ما آشکار شده است. و ضمن این که جمع آوری واژه‌ها و ارائه‌ی بسامد آن‌ها را با مطالعه‌ی تمام متن نفثه المصدور به عنوان جامعه‌ی آماری پژوهش به انجام رسانده‌ایم. همچنین به منظور تحلیل روش مند این مسئله؛ رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (۱۳۹۸) را برگزیده‌ایم و واژگان حامل بارمعنایی جامعه‌شناختی در متن را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی نموده‌ایم. چنان که آشکار است تاکنون به طور مستقل تحقیقی با عنوان «بررسی انتقادی گفتمان وجوه افعال و وجهیت آن در نفثه المصدور زیدری نسوی» انجام نیافته است.

معرفی وجوه افعال



**COMSTech Inter-Islamic Network
on Virtual Universities**

Holding time: March 2021

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

بررسی جنبه‌های دستوری متن به عنوان یکی از مولفه‌های فرکلاف^۱ است. به عقیده‌ی او، انواع ویژگی‌های دستوری در متن‌ها وجود دارند که دارای ارزش‌های رابطه‌ای هستند. فرکلاف بر سه مورد از آن‌ها تاکید دارد: «وجه‌های جمله، وجهیت و ضمائر» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۵).

به عقیده‌ی فرشید ورد، وجه فعل آن دسته از ابزارهای دستوری است که نگرش گوینده را در فعل بروز می‌دهد. به تعبیر دیگر، صورت یا جنبه‌ای از فعل است که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو، تأکید و امید و بعضی امور دیگر دلالت دارد» (فرشید ورد، ۱۳۵۰: ۲۱۹). ضمائر در بازنمایی سلسله مراتب‌های نهادینه شده در سطح شخصی و گروهی تأثیر به‌سزایی دارند و جایگاه هر فرد را مشخص می‌کنند» (میرزاییاتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۷۱).

جفریز^۲ که وجهیت را با نام فرضیه سازی^۳ معرفی می‌کند، معتقد است «کارکردهای وجهیت، بیان دیدگاه‌های نویسنده یا گوینده است. فرض‌های مورد نظر ممکن است که با شک و تردید و یا با قاطعیت بیان شود و این اجبار یا عدم اجبار، موضع و دیدگاه نویسنده را آشکار می‌سازد» (Jeffries، ۲۰۱۰: ۱۱۸).

زبان‌شناسان میان وجه و وجهیت تفاوت قائل شده و بر این عقیده‌اند که وجهیت مقوله‌ای معنایی و وجه مقوله‌ای دستوری است. مایکل هیلیدی (۱۹۸۵) معتقد است که در تعاملات، هر یک از عناصر برقراری ارتباط، «توسط نوع خاصی از بند نشان داده می‌شود؛ مثلاً دادن اطلاع از طریق بند خبری و یا درخواست اطلاع از طریق بند پرسشی ممکن می‌شود. البته این رابطه همیشه یک به یک نیست و می‌توان حتی با یک بند خبری هم کالا و خدماتی را درخواست کرد» (هیلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۲۵-۲۶). پس در مقوله‌ی وجه، افعال بر اساس عناصر هم‌نشین و جانشین در بافت کلام، فعالانه تغییر معنا می‌دهند.

وجه کلام در گفتمان، نوع روابط میان افراد و مناسبات اجتماعی و شناخت جهان بینی و دیدگاه‌های نهفته مولف در متن را آشکار می‌کند» (اسدی و عزیزاده، ۱۳۹۶: ۸). زیرا در هر گفتمان بر اساس قابلیت‌های هر یک از این وجوه است که فعل‌ها استفاده می‌شوند و گوینده بر اساس خواسته‌ها و پیش فرض‌های ذهنی، هر یک از این صورت‌ها را بر می‌گزیند. در هر گفتمان، عناصر زبانی و غیرزبانی آن تحت الشعاع (انگاره‌های ذهنی گوینده یا عامل آن گفتمان قرار دارد. عاملان هر گفتمان ناخود آگاه تحت تأثیر برداشت‌های خود از حوادث پیرامونی‌اند و بر این اساس، شیوه‌های بیانی خاصی در راستای اغراض خود اتخاذ می‌کنند. لاکان می‌گوید: «زبان روی تحریف مداومی از ساختمان خود فعالیت می‌کند، تحریفی که همان حضور فاعل است به عبارت ساده‌تر، حضور فاعل و ذهنیت او که تحت تأثیر شرایط محیط پیوسته در حال تغییر است، باعث می‌شود که ساختار زبان نیز ثابت و پایدار نماند و مدام دگرگون شود» (عضدانلو، ۱۳۹۱: ۳۸).

معرفی وجهیت

به عقیده فرکلاف، ویژگی‌های صوری دارای ارزش رابطه‌ای؛ سرنخی از آن دسته از روابط اجتماعی است که از طریق متن در گفتمان به اجرا در می‌آیند. این ویژگی، با رابطه‌ها و روابط اجتماعی سروکار دارد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۲). این که وجهیت با

¹ -Fairclough

² -Jeffries

³ - Hypothesized



**COMSTech Inter-Islamic Network
on Virtual Universities**

Holding time: March 2021

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

اقتدار گوینده سروکار دارد و بسته به این که جهت اقتدار به کدام سو است از دو بعد بر خوردار می گردد: وجهیت رابطه ای و وجهیت بیانی. فر کلاف می گوید وجهیت رابطه ای، زمانی اتفاق می افتد که مسالهی قدرت یکی از مشارکین در ارتباط با دیگران مطرح باشد. «این وجهیت به وسیلهی افعال کمکی وجهی نظیر بایستن، توانستن و ممکن بودن و نیز ویژگی های صوری مختلف دیگری مانند قید بیان می گردد» (همان، ۱۳۷۹: ۱۹۳-۱۹۴).

اگر مسئلهی اقتدار گوینده / نویسنده در ارتباط با احتمال / صدق، بازنمایی واقعیت مطرح با شد، به عقیده فر کلاف، «با وجهیت بیانی یعنی وجهیت ارزیابی گوینده از صدق یک موضوع» (همان، ۱۳۷۹: ۱۹۳) روبرو هستیم.

وجهیت را از منظر دیگر محققان نیز مورد بررسی قرار می دهیم. راجر فاولر^۱ (۱۹۸۷) وجهیت را از عناصر دستوری کارآمد برای تحلیل نظر نویسنده می داند و در تعریف آن می گوید: وجهیت گرامر تعبیر پنهان است و ابزاری است که مردم با آن در جبهی تعهد و التزام و سرسپردگی خود را نسبت به حقیقت گزاره هایی که می گویند، بیان می کنند» (فاولر، ۱۹۸۷: ۱۳۱) وجهیت از نظر پاول سیمپسون^۲ (۱۹۹۳)، میزان قاطعیت گوینده در بیان یک گزاره است که به طور ضمنی با عناصر دستوری نشان داده می شود. او در ادامه می گوید وجهیت، بیان کنندهی منظور یا قصد کلی گوینده یا درجهی پابندی او به واقعیت یک گزاره یا باور پذیری، اجبار و اشتیاق نسبت به آن است. در میان فرانشس هایی که مایکل هلیدی^۳ (۱۹۸۵) برای زبان بر می شمارد (اندیشگانی، بی نا فردی و متنی) دیده می شود که در نقش بینا فردی، گوینده از زبان به مثابهی ابزاری برای ورود به ر خداد گفتاری استفاده می کند. برای بیان نظرات، نگرش ها، ارزیابی های خود و نیز بیان رابطه ای که میان خود و مخاطبش بنا می کند. رابطه ای که با صورت هایی مانند اطلاع رسانی، پرسش، احوال پرسی، اقناع و... انجام می پذیرد» (دُرپر، ۱۳۹۲: ۸۰). وجهیت فعل یکی از مواردی است که هلیدی نشان داد در القای معنای بی نا فردی و تعامل اجتماعی نقش اصلی دارد و با مقولهی قدرت ارتباط پیدا می کند. کسانی که فرادست هستند، از وجهیت بالا استفاده می کنند تا اطمینان خود را دربارهی آن چه می گویند نشان دهند و برعکس فرود ستان از وجهیت ضعیف یا پایین استفاده می کنند» (هلیدی، ۱۹۸۵: ۷۵).

به عقیدهی مایکل تولان^۴ (۱۳۸۶) وجهیت به امکانات زبانی موجود برای توصیف و توجیه ادعا، عقیده یا تعهدی که فرد با زبان (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۸۵-۲۸۶) می آفریند، اشاره دارد. بنابراین، وجهیت موضوعی است که آشکارا در متن توضیح داده نشده است، بلکه با تأمل در فعل و قید و صفت های تاکید کننده بر موضوع یا امری دریافت می شود. با توجه به وجهیت و تبیین آن در یک اثر، می توان به ارتباط بین ذهن و جهان بینی نویسنده دست یافت.

معرفی نفثه المصدور

نفثه المصدور بدون شک یکی از شاهکارهای بدیع نثر فنی و از نمونه های عالی نثر مصنوع و مزین و منشیانه نیمه اول قرن هفتم است، کتابی تاریخی ادبی است که نسوی این کتاب را علاوه بر جنبه تاریخی به لحاظ بیان عواطف و احساسات به نثری مصنوع

¹ - Fowler,R

² - Poul simpson

³ - Michael Halliday

⁴ - Michael Tolan

اما سخت دل‌ویز و موثر نوشته است» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۴۱-۱۴۲). نویسنده در نگارش این اثر «به افراط از زبان و ادب عربی استفاده کرده و با این حال قسمت‌هایی از اثر او متضمن عبارات فارسی معتدل زیبایی است و نشان می‌دهد که نویسنده در زبان پارسی ماهر و تواناست» (صفا، ۱۳۸۶، ۳/۲: ۱۱۸۱). این اثر مشتمل بر ۱۲۵ صفحه است که به تصحیح و توضیح امیرحسین یزدگردی در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده است. زیدری نسوی متن تاریخی و روایی اثرش را در ابتدا با جملات توصیفی نمونه‌های زیر آغاز می‌نماید:

«در این مدت که تلاطم امواج فتنه کار جهان بر هم شوراننده است» (زیدری، ۱۳۸۱: ۱). هم‌چون براثت استهلال-مقدمه و پیش درآمد- متن تاریخی خود را آغاز می‌نماید تا ذهن مخاطب را از همان ابتدای روایت به شرایط متشنج اجتماعی و سیاسی عصر خود سوق دهد. از استراتژی زبانی زیدری نسوی آن بوده که توصیفات خود را با بار معنایی عاطفی و احساسی همراه نموده تا میزان تأثیرگذاری آن را بر مخاطب بیشتر نشان دهد. به طور مثال، زیدری از صفحه‌ی «یک» تا «چهار» متن کاملاً با الگوی توصیفی (شناسایی سطوح و درجات بحران) در معرفی اوضاع ناگوار زمان خود پیش می‌رود و سپس به الگوی (مدل) گفتمانی

- «مع القصة بطولها» (زیدری، ۱۳۸۱: ۴) می‌رسد و می‌گوید:

- «خواستہ ام که از شکایت بخت افتان و خیزان... فصلی چند بنویسم» (همان، ۱۳۸۱: ۴).

سپس شکوه‌ها و ناله‌های خود را با مخاطب در میان می‌گذارد و همه‌ی متن روایت و گزارش، توسط یک فاعل (زیدری) بیان می‌شود و در صفحه‌ی «هفت» متن با کاربرد جمله‌ی

- «از نفته المصدوری که مهجوری بدان راحتی تواند یافت، چاره نیست، و از این‌ان المهجوری که رنجور را در شب دیرجور هجر بدان شفایی تواند بود، گزیر نه» (زیدری، ۱۳۸۱: ۷). مسیر ذهن مخاطب را تا حدودی به سمت داستان به جلو می‌برد و می‌نویسد:

- «اسمع حدیثی، فانه عجب- یضحک من شرحه وینتجب^۱» (همان، ۱۳۸۱: ۹). و از این صفحه تا پایان متن به موضوع اصلی داستان می‌پردازد و با بهره‌گیری از این جمله:

- «چون ازالموت... با قزوین اتفاق معاودت افتاد» (همان، ۱۳۸۱: ۹). سپس ذهن مخاطب را به سمت روایت اصلی هدایت می‌کند. جدول زیر وقایع متن نفته المصدور را به تصویر می‌کشد.

جدول ۱- سلسله مراحل حوادث داستان نفته المصدور

حوادث	مقدمه	کنش سعودی	گره افکنی	نقطه اوج	گره گشایی	موقعیت پایانی
مرحله اول	ملازمت زیدری با سلطان جلال الدین	مقابله ملاحظه‌ی الموت	دریافت خبر ورود تاتار هنگام رسیدن به قزوین	کوشش در تمام مأموریت و حرکت به سمت تبریز	رسیدن به خدمت سلطان در تبریز	تقدیم وجوهات اخذ شده به او

^۱ - داستان مرا (سرگذشت مرا) بشنو، که داستانی شگفت‌انگیز بود، از شرحش (هم) می‌خندند و (هم) می‌گیرند» (زیدری، ۱۳۸۱: ۱۳۸).

مرحله دوم	عبور مولف و سلطان از قلعه شیر کبود	مواجهه با حمله تاتار و مراقبت از اسیر تاتاری	حمله سپاهیان مغول به اردوگاه پادشاه و مواجهه زیدری با اردوگاه خالی	اقامت زیدری در گنجه به مدت سه ماه	با تحمل رنج فراوان در جستجوی سلطان	دسترسی زیدری به اردوگاه پادشاه
مرحله سوم	طلب کمک از حاکم میافارقین	عدم پاسخ گویی مناسب از جانب حاکم	دریافت نامه مبنی بر هجوم مغول	دعوت حاکم میافارقین به زیدری مبنی بر اقامت در آن جا	عدم توقف زیدری و حرکت به سمت سلطان	دست یابی به سلطان
مرحله چهارم	فرود اضطراری سپاه سلطان در حوالی شهرآمد	مواجهه با حمله ناگهانی لشکر مغول	فرار زیدری از دست آنان و پناه گرفتن در غاری	رسیدن زیدری به نزد ملک مسعود و مواجهه با ظلم او	گریز مولف از دست حاکم آمد و نیز گریز از دست سربازان مغول	رسیدن به ماردین و در جستجوی سلطان
مرحله پنجم	حرکت زیدری به سمت ارمیه	دست یابی به سرمایه در آنجا	مواجهه با رفتار ظالمانه جمال علی عراقی	حرکت به سمت خوی و مواجهه با سربازان تعقیب کننده تاتار و مبارزه با آنها	رهایی مولف با وجود جراحت فراوان برف و سرما	رسیدن به خوی و سکونت در آن جا و مداوای جراحت خود
مرحله ششم	حرکت زیدری و همراهان او به سمت شام	به امید پناه گرفتن مولف در قلمرو ملوک ایوبی	مواجهه زیدری با گروهی از دزدان	غارت زاد و توشه آنان توسط دزدها	رسیدن به بلاد شام	اقامت در نزد ملک مظفر ایوبی و اطلاع زیدری از مرگ سلطان جلال الدین



COMSTech Inter-Islamic Network
on Virtual Universities

Holding time: March 2021

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

با توجه به جنبه‌های دوگانه‌ی کلام (چه و چگونه گفته می‌شود) چگونه گفتن پیام اغلب با توجه به شرایط و موقعیت ها، حاصل معانی مختلف است. این اهداف در قالب عناصر گفتمانی ظاهر می‌شوند و یکی از اصلی‌ترین عناصر گفتمانی، وجوه فعلی متعدد است. براساس الگوی فکری فرکلاف در جملات سه وجه اصلی وجود دارد: «خبری، پرسشی دستور و امری» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹۱). مشخصات جملات خبری وجود فاعل و به دنبال آن فعل است جملات امری به هیچ وجه فاعل ندارند و با مفعول یا فعل شروع می‌شوند. جملات پرسشی دستوری نسبتاً پیچیده‌تر هستند چرا که انواع متفاوتی دارند. این سه وجهها، فاعل‌ها را در جایگاه‌های متفاوت قرار می‌دهند. عدم تقارن‌های نظام مند در توزیع وجه‌ها بین مشارکین فی نفسه بر حسب روابط مشارکین از اهمیت برخوردارند: «خواستن، چه برای کنش از جانب دیگری و چه برای دریافت اطلاعات از دیگری، معمولاً از جایگاه قدرت صورت می‌گیرد، همانطور که ارائه اطلاعات نیز این چنین است. به جز در مواردی که اطلاعات خواسته می‌شود» (همان، ۱۳۷۹: ۱۹۲). با توجه به مطالب پیشین، رویکرد تحلیل گفتمان فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین است و برآنیم در این مقاله متن نفثه المصدور زیدری نسوی (۱۳۸۱) تصحیح و توضیح امیرحسین یزدگردی را با توجه به الگوهای فکری نورمن فرکلاف از منظر وجوه افعال و بیان وجهیت آن در سه سطح یاد شده بررسی و تحلیل نمایم.

کارکردهای گفتمانی وجوه افعال در سطح توصیف

در الگوی سه مرحله‌ای تحلیل گفتمان فرکلاف، توصیف به عنوان پیش فرض تفسیر و تبیین قرارداد دارد. در توصیف به ویژگی‌های صوری متن که دارای ارزش تجربی، رابطه‌ای و بیانی هستند، پرداخته می‌شود. به عقیده‌ی فرکلاف، در سطح توصیف، متن جدا از سایر متن‌ها و زمینه و اوضاع اجتماعی بررسی می‌شود. مجموعه‌ی ویژگی‌های صوری‌ای که در یک متن یافت می‌شوند، می‌توانند به عنوان انتخاب‌هایی خاص از میان گزینه‌های مربوط به واژگان و دستور موجود تلقی شوند که متن از آن‌ها استفاده می‌کند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۷). توصیف در این مرحله به معنای شناخت متن در چارچوب بافت متن و تلاش برای یافتن ارتباط منطقی میان کلمات و هم‌نشینی و هم‌آیی کلمات و واژگان است. در بررسی تحلیل گفتمان انتقادی متن نفثه المصدور در سطح توصیف در این مقاله، بیشترین تمرکز بر وجوه افعال است.

وجوه افعال به عنوان یکی از مولفه‌های گفتمان مدار است که در تحلیل گفتمان انتقادی مورد کنکاش قرار می‌گیرد. در ادامه این بخش از پژوهش را با وجه پرسشی جملات به دلیل اهمیت و پیچیدگی آن آغاز می‌کنیم.

یکی از مهمترین جنبه‌های دستوری در نظریه فرکلاف، بررسی نحوی کاربرد استفهام است. «استفهام یکی از کاربردی‌ترین گونه‌های انشا است. زیرا علاوه بر سوالات زیادی که برکشف مجهول پرسیده می‌شود، گاه حتی مسائل مبهم و قابل تأمل را با جملات پرسشی مطرح می‌کنیم تا علاوه بر این که نشان دهیم به مسئله علم کافی نداریم، مخاطب را به تفکر درباره‌ی موضوع وا می‌داریم. در این گونه موارد، جملات استفهامی نسبت به جملات خبری تأثیر بیشتری دارند» (ابن‌الرسول و همکاران، ۱۳۹۵: ۲).

در متن نفثه المصدور کاربرد واحد گفتمانی جملات باوجه پرسشی پس از جملات خبری از بسامد «۵۸» بار یعنی «۵/۷۴» در صد برخوردار است که راوی، این توزیع واژگانی را برای مصارف متعدد به کار گرفته از جمله:

- «من غرقه‌ی دریای غم، کس گوید- با غرقه که: بر سفینه نقشی می‌کن؟» (زیدری، ۱۳۸۱: ۳). که به مفهوم «تمنی یا آرزوی محال یا ممکن» نویسنده اشاره داشته است. یا در این عبارت:

- بازعقل، کدام عقل؟! که او نیز از سرکوب حوادث حیران مانده است. و به کدام مشتاق، شداید فراق می نویسی؟! (همان، ۱۳۸۱: ۵). که راوی گفتمان پرسشی فوق را برای «استهزا و تهکم و تمسخر» به کار می برد. یا این عبارت:
- «از قلم که چون بر سیاه نشیند، سپید عمل کند و بر سپید سیاه، جز نفاق چه کار آید؟!» (همان، ۱۳۸۱: ۳). که مفهوم استفهامی این واحد گفتمانی به معنای «اخبار و آگاهی» به مخاطب بوده است. همچنین در این عبارت
- «جان بر کف دست تا کجا می پویی؟! ... تا چند هرزه گرد جهان گردیدن و بی حساب فراز و نشیب دویدن؟!» (همان، ۱۳۸۱: ۹۷).
- راوی، پرسش فوق را برای مفهوم «یادآوری» به کار می برد و مخاطب را در یک نگاه کلی و عمیق در مثال های مذکور به سمت «استفهام انکاری» هدایت می کند.
- استفهام انکاری، به عنوان یکی از مؤلفه های گفتمان فرکلاف است بدین طریق که آفرینندگان انواع ادبی، عبارات و جملاتی را به عنوان پرسش و استفهام در کلام خود به کار گرفته تا برای مخاطب هم دارای جذابیت و هم به عنوان تاکید مطرح شود تا پیام را به آنها ارسال کنند و الزاماً قصد گوینده از پرسش، تنها دریافت پاسخ نیست بلکه برای ایجاد «شگفتی، توییخ، سرزنش، آگاهی، یادآوری، تنبیه، و تحقیر» و .. است. اما در کلام پرسشی انکاری، مخاطب با عبارت پرسشی مثبت مواجه می شود و ملی پاسخ آن به صورت منفی بوده و غرض گوینده از طرح آن پرسش، «تکذیب و انکار» است. نویسنده با طرح پرسش هایی با ساختار مثبت قصد داشته است که علاوه بر کلام و تأثیر آن بر مخاطب به ارتباط و سلطه قدرتمندان بر زیرستان اشاره کند. چنان که زیدری نسوی بخشی از عبارت های نفته المصدر را به این اهداف اختصاص داده و آن را به قوت بازگو کرده و بدین وسیله نوعی اعجاب و مبالغه در انکار و تکذیب گزاره های خود قرار می دهد. و اما اشاره نویسنده در عبارت های پرسشی زیر:
- «بارِ عَدَمِ التَّفَاتِ و قَلتِ مَبَالَاتِ یَارَانِ مُنَافِقِ و دُوسْتَانِ نَامَوَافِقِ چَندِ بَرِ دَلِ سَنجِی؟!» (زیدری، ۱۳۸۱: ۶). استراتژی راوی در بیان استفهام فوق، «توییخ و سرزنش» دوستان است. در این عبارت نیز:
- «اندامی که به سالها .. آزرده باشی، به مرهم یک هفته کجا مُندَمِلِ شود؟» (همان، ۱۳۸۱: ۲۷). که در این واحد گفتمان مدار، مفهوم «عتاب و سرزنش و ملامت» دیگران در آن پنهان است. همچنین زیدری نسوی در این عبارت از سلطان «جلال المدین « خوارزمشاه با جملاتی همچون
- «أینَ مِنَ المَشْتِاقِ عِنْقَاءِ مُغْرَبِ؟» (همان، ۱۳۸۱: ۱۰). یاد می کند و این عبارت استفهامی را در مفهوم «تفخیم و بزرگداشت» پادشاه به کار می گیرد. و نیز جمله ی
- «کو آن پادشاه که از سربازی به گوی بازی نپرداختی؟» (همان، ۱۳۸۱: ۱۸).
- به توجه نکردن و تمرکز نداشتن پادشاه وقت اشاره دارد. عبارت
- «آفتاب بود... سحاب بود... و در مفاک رفت، چه می گویم؟!» (زیدری، ۱۳۸۱: ۴۷). که گفتمان استفهامی فوق در مفهوم «تأسر و تأسف» به کار رفته است. بنابراین نویسنده با استفاده از این وجه، سخن خود را در پوشش استفهامی برای

۱- مشتاق کجا! سیمرخ کجا! (مراد آن که: جوینده ی عتقاء مغرب هرگز به وی دست نتواند یافت) (زیدری، ۱۳۸۱: ۱۴۱).



COMSTEC Inter-Islamic Network
on Virtual Universities

Holding time: March 2021

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

مخاطب روشن می‌سازد که در این گفتمان چه رویدادی رخ داده است؟ چنان که فرکلاف در این باره می‌نویسد: «در پرسش دستوری، گوینده/نویسنده بار دیگر چیزی را از مخاطب، طلب می‌کند که در این مورد، اطلاعات مطرح می‌باشد و مخاطب در جایگاه ارائه دهنده اطلاعات واقع شده است» (فرکلاف، ۱۳۹۸: ۱۷۲).

از مولفه‌های گفتمانی دیگر، کاربرد افعال به صورت امری است که این وجه از فعل به طور معمول برای گفتمانی قدرت مدار در تقابل با افراد فرودست، استفاده می‌شود و یا به عبارت دیگر، کاربرد این نوع از وجه فعل مشخص می‌کند که گفته‌ها قدرت و سلطه در دست چه کسانی قرار دارد؟ در متن نفثه المصدور، نویسنده؛ فعل امری را با بسامد «۴۴» بار - «۴/۳۶» در صد به کار می‌گیرد. و در اغلب موارد، از آن به عنوان پیام «هشدار» برای خود و یا «پیشنهاد» برای مخاطب استفاده می‌کند. به طور مثال در این جمله:

- «آب رویی که جهت اکتساب آن، خویشان را به آتش سوزانیدی، مانند آب جوی ریخت، فرو خوان» (زیدری، ۱۳۸۱: ۷).
- راوی وجه امری فوق را برای «انگیزش و تحریک ذهن و قلم خود» برای نگارش این اثر به کار می‌گیرد و یا
- «إسمع حدیثی، فانه عجب - یضحک من شرحه و ینتجح»^۱ (زیدری، ۱۳۸۱: ۹). که از این وجه برای تأکید گفتمانی ارزشمند و پراهمیت استفاده می‌کند. و یاد عبارت دیگر می‌نویسد که:
- «بیا تا بسر نفثه المصدور خویش باز شویم» (همان، ۱۳۸۱: ۴۸).

زیدری نسوی در مفهوم وجه امری فوق، مخاطبی صمیمی را همراه می‌کند که قرار است تا پایان روایت برای او شنونده ای سراپا گوش باشد. و یا

- «در این خاک توده‌ی غدار، أطول أعمار یافته دیگر... کاملتر شربتی از جام حیات خورده گیر» (همان، ۱۳۸۱: ۳۵).

نویسنده از مفاهیم و جوه امری فوق، برای مصرف گفتمانی همچون «هشدار، احتیاط و پرهیز» استفاده می‌نماید و یاد این عبارت:

- «و به هر جهت که روی نهی، گذر بر حد شمشیر است، مایه‌ی سرنگاه دار» (همان، ۱۳۸۱: ۹۸). راوی، نگاه «محتاطانه و زیرکانه»ی خود را به مخاطب انتقال می‌دهد. در جملات دارای وجه امری، گوینده/نویسنده به دنبال اهداف و مقاصد صدی است که از مخاطب آن را طلب می‌کند و در واقع به عنوان بازیگری مطیع و فرمانبردار در این گفتمان قرار می‌گیرد.

از مولفه‌های گفتمان مدار دیگر، کاربرد جملات خبری در متون است که توزیع و مصرف چنین واژگانی برای نویسنده دارای مفهوم و معنای خاص است از جمله اینکه نویسنده با «قطع و یقین و بدون شک و تردید» به بیان موقعیت و گفتمان می‌پردازد. چنان که گفته‌اند: «بسامد بالای وجه اخباری قطعیت متن را بالا می‌برد و مبین میزان پایبندی نویسنده به حقیقت گزاره‌هاست» (قربانی جویباری، ۱۳۹۴: ۲۳۴). با جستجو در متن نفثه المصدور، با جملات خبری با بسامد «۹۰۷» بار تکرار یعنی «۸۹/۸۹» در صد روبرو هستیم که به برخی از آن‌ها که حاوی پیام کلی و قطعی نویسنده‌ی اثر است، اشاره می‌شود.

- «کارهایی که از حضرت به صدد اتمام آن بودم، بر حسب ارادت تمشیت یافت» (زیدری، ۱۳۸۱: ۹).
- «و من بنده بامداد با غلامکی که با من بود، روی به لشکرگاه نهادم» (همان، ۱۳۸۱: ۲۱). و یا

^۱ - «داستان مرا (سرگذشت مرا) بشنو، که داستانی شگفت انگیز است. از شرحش (هم) می‌خندند و (هم) می‌گریند» (زیدری، ۱۳۸۱: ۱۳۸).

– «افسوس که به نامردی و ناجوانمردی سور و باروی ملت و سوارمیدان سلطنت... بیاد بر دادند» (همان، ۱۳۸۱: ۴۵). چنان که آشکار است فراوانی بسامد و جوه خبری بیانگر قطعیت و موضع مقتدرانه‌ی زیدری نسوی در برابر مخاطب و ایدئولوژی مسلم او درباره‌ی موضوعات بیان شده است. جدول زیر میزان کاربرست و درصد جوه افعال در متن نفثه المصدور را نشان می‌دهد.

جدول ۲- بسامد و درصد کاربرست وجوه افعال

ردیف	وجوه افعال	بسامد	درصد
۱	وجه خبری	۹۰۷	۸۹/۸۹
۲	پرسشی	۵۸	۵/۷۴
۳	امری	۴۴	۴/۳۶
۴	کل	۱۰۰۹	۱۰۰

با توجه به جدول فوق و بسامد و درصد کاربرست وجوه افعال در متن نفثه المصدور در می‌یابیم بیشترین بسامد و درصد به افعال دارای وجه خبری با «۹۰۷» بار تکرار و «۸۹/۸۹» درصد اختصاص دارد. همین میزان توجه و تمرکز نویسنده به استفاده از وجه خبری بیانگر آن است که نویسنده در مقام فاعل و جایگاه اطلاع دهنده است و از متن نفثه المصدور به عنوان ابزاری قاطع برای آگاهی رساندن به مخاطب استفاده کرده است.

وجه اخباری و کارکرد گفتمانی آن در متن نفثه المصدور نشان می‌دهد، گوینده به روی دادن یا ندادن فعل یا به وجود و عدم حالتی که از آن خبر می‌دهد یقین دارد و اسناد در آن قابل صدق و کذب است. کارکرد وجه اخباری برای آن است که وقوع یا عدم وقوع فعل از نظر گیرنده حتمی باشد. برای نمونه به مثال‌هایی که زیدری نسوی از این وجه به بیان حقایق پیرامون خود می‌پردازد، اشاره می‌شود:

– «از مدت مفارقت تا امروز، چهارسال و چیزست، که دیده بر راه مانده است، و از صادر و وارد... پر سان پر سان، احوال او بوده ام» (زیدری، ۱۳۸۱: ۱۰). استفاده از وجه اخباری در عبارت بالا، نشان دهنده‌ی روایت منفعلانه‌ی نویسنده است در این روایت، قصد نویسنده برای انگیزش مخاطب نیست بلکه نوعی «انتظار، حسرت و ناامیدی و استیصال» را نشان می‌دهد استفاده از وجه اخباری و زمان‌های فعل گذشته نشان از قطعیت رویداد است راوی اتفاقی را گزارش می‌کند که در گذشته رخ داده و وقوع آن پایان یافته است

– «شبانه من بنده را به قلعه شیر کبود به مهمی فرستاده بود» (همان، ۱۳۸۱: ۲۰). بافت موقعیتی و حوادث به وقوع پیوسته در عبارت فوق به همراه فعل ایستایی «بودن» نشان دهنده‌ی احساس خستگی و نگرانی گوینده است.

– «شب واقعه... کتابت که کنایت از آن در آن سر وقت آهن سرد کوفتن بود... تا بامداد که ندا... در دادند. سر از بالین برداشتم ملاعین دوزخی را... به حوالی خرگاه پادشاه محیط یافتم» (همان، ۱۳۸۱: ۵۱-۵۲). زیدری نسوی در حالی به روایت رویدادی در عبارت فوق می‌پردازد که کنش‌گری منفعل است و وقوع رویداد نیز از کنترل او خارج است و پس از اتهام روایت، مخاطب را همچنان به شنیدن ادامه‌ی روایت با خود هم داستان میکند:



**COMSTech Inter-Islamic Network
on Virtual Universities**

Holding time: March 2021

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

«دو سه چارپای.... بدست آریم، و پیش از آنکه تاتار در این دیار بر ما سحر خورد، قصد شام کنیم... تا تار... در حرکت آمد... دست همه در گل گرفتند» (زیدری، ۱۳۸۱: ۹۹-۱۰۰).

نویسنده در جملات بالا از موقعیتی می نویسد که قرار بود بر گروه تاتاریان بتازند و از عبارت کنایی «سحر خوردن و قصد شام کردن» نیز به خوبی استفاده می کند و آن را در فرصتی مناسب به کار می گیرد اما نتیجه ی زبان و گفته مان او به سود تاتاریان به پایان می رسد.

این بافت موقعیتی و حوادث به وقوع پیوسته در آن با وجوه اخباری در ساختار متفاوت، بدان معنی است که نویسنده علاوه بر گزارش یک رویداد، ویژگی های روانی و جسمانی و حتی روحیه ی جنگاوری و نظامی و چابکی مهاجمان را نیز توصیف می کند. در مجموع می توان درباره ی استفاده از وجه اخباری در نمونه های فوق گفت وجه اخباری در این متن، سعی در بازنمایی بافت موقعیتی ایدئولوژیک (ذهنیت و مفاهیم) نویسنده دارد. حتی نویسنده دلنگی ها و دلخوری های خود را با وجه اخباری در جهت برجسته سازی و بزرگ نمایی درد ورنج خود بیان می کند در این روایت ها با کنش گری ناصح مواجه هستیم که در روند وقوع رخدادها پیگیر حق به جانب خود و هواداران و موافقان خود است، و برخی از وقایع را خارج از کنترل خود و حامیان خود می داند. به نظر می رسد نویسنده توانسته باشد مخاطب را نیز با دریافت های خود هم داستان کند. از سوی دیگر، بسامد بالای وجه اخباری فعل می رساند که متن نفثه المصدور، متنی ایدئولوژیک (حتمی و مسلم) است در نتیجه مخاطب با روایت محض و عدم تردید گوینده مواجه است. این شیوه ی بیان در انگیزش مخاطب نقشی فعالانه دارد و راوی از این نوع بیان برای بازنمایی و برجسته نمودن اجبارها و اضطرابها استفاده می کند. به طور مثال:

«چون نصیحت، فضیحت بار می آورد... بدیده اعتبار در سر آمد کار می نگریم» (زیدری، ۱۳۸۱: ۱۸). به این طریق مخاطب را با پیش فرض ها و پیش بینی های فردی ناصح همراه و هماهنگ می سازد تا شاید از بار مسئولیت خود کاسته باشد و یا

«ای دوست، در خزان امانی کامرانی توقع کردن نادانست» (همان، ۱۳۸۱: ۳۸). گفته مان راوی در عبارت فوق، همه چیز را تمام شده اعلام می دارد و مخاطب را به سوی تسلیم و پذیرش شرایط دشوار خود بر می انگیزد.

چنان که آشکار است تمامی افعال در متن در وجه اخباری و بیشتر زمان های فعل گذشته است. زمان گذشته در مقایسه با زبان حال و آینده همواره قطعیت بالاتری در زمینه ی رویداد دارد. نویسنده اتفاقاتی را گزارش می کند که در گذشته روی داده و وقوع آن پایان یافته است. با توجه به نظر کارتر^۱ (۱۹۸۷: ۹) که واژگان را از جهت شأن و کارکرد متفاوتشان به دو گروه کلان هسته ای و غیرهسته ای تقسیم می کند؛ در این تقسیم بندی، وجه اخباری فعل را باید به جهت امکان صدق و کذب و شمول معنایی عام تر در دسته ی افعال هسته ای قرارداد. «اصطلاح واژگان هسته ای به آن عناصری از شبکه واژگانی زبان اطلاق می شود که بی نشان هستند. یعنی این کلمات، طبیعتی ترین، بنیادی ترین و ساده ترین اقلام واژگانی هستند که در اختیار اهل زبان قرار دارند» (یار محمدی، ۱۳۹۳: ۶۶).

علاوه بر وجه خبری، جملات پرسشی با بسامد «۵۸» بار و «۵/۷۴» در صد در متن پیش روی با کارکرد های متعدد چون بیان «اعتراض، انتقاد، سرزنش، کنایه، طعنه» و غیره دیده می شود. که نقش اصلی جملات سوالی، کسب خبر و اطلاع است. جملات

¹ - Carter



پرسشی به دو دسته کلی الف) پرسش‌های بلی - خیر و ب) جملات پرسشی اطلاعی تقسیم می‌شود. همچنین دسته (الف) را به دو گروه جملات پرسشی خنثی و جملات پرسشی جانبدارانه تقسیم می‌کنند (سیدی و حامدی شیروان، ۱۳۹۱: ۱۶).

در جملات پرسشی خنثی، گوینده نسبت به پاسخ مخاطب، پیش فرض یا انتظار خاصی را القا نمی‌کند، در حالی که در جملات پرسشی جانبدارانه، گوینده؛ پیش فرض‌ها و القانات خود را به مخاطب منتقل می‌کند و از مخاطب هم به نوعی انتظار پاسخ مثبت یا منفی دارد و توقع دارد نظر او را تایید کند؛ که این جملات نیز بر حسب پاسخ مورد انتظار گوینده، خود در گروه پرسش‌های جانبدارانه‌ی مثبت و منفی تقسیم می‌شوند. همان‌طور که ذکر شد، نقش اصلی جملات پرسشی، بیان پرسش و درخواست اطلاع است، اما بسیاری از جمله‌ها در قالب پرسشی برای درخواست اطلاع به کار نمی‌روند، بلکه بسته به بافت و دیگر ملاحظات کاربرد شناختی، معانی دیگری به خود می‌گیرند. مهمترین موارد کاربرد غیر مستقیم جملات پرسشی در زبان فارسی به قرار زیر است: «امری یا خواهش، درخواست و تقاضا، کسب اجازه، نهی، نفی، تعجب، تردید، صحبت گشایی، صلاح‌دید و نصیحت، تعارف، آرزو، تحقیر، تهدید، جلب توجه، سرزنش و ملامت، تاکید، جلب و موافقت و تایید و اعتراض» (همان، ۱۳۹۱: ۱۸).

وجه پرسشی و کارکرد گفتمانی آن در متن نفته المصدور نشان می‌دهد که نویسنده فرصت پرسش و پاسخ را الزامی برای خود دانسته تا از طریق آن مخاطب را مجاب به تفکر، توقف و پذیرش برخی دلایل گوینده کند. به نمونه‌هایی که زیدری نسوی، خود و دیگران را در هاله‌ای از پرسش و تقاضا قرار می‌دهد، توجه کنید:

- «جمعی خران خام کار در کار رفته... با همگی دل و جان نگفته که: جواب تاتار چگونه به لشکری دهند، ... و قلب آن به انواع تعدی خسته؟!» [اند] (زیدری، ۱۳۸۱: ۲۸).

راوی «جمع خران خام کار» را فاعلان عبارت پرسشی فوق می‌پندارد و پرسش خود را با آن‌ها به طور غیر مستقیم در میان می‌گذارد و پاسخ را نیز از عدم کفایت و کاردانی و بی تجربگی آن‌ها می‌داند و کارکرد سرزنش و ملامت از مهم‌ترین نکاتی است که می‌توان از عبارت‌های بالا دریافت.

نویسنده در عبارت‌های زیر با توجه به عملکرد حکومت به آن چنان نتایج قطعی می‌رسد که با انتخاب عبارت کوتاه پرسشی، پاسخ قطعی به تمام ویژگی‌های آشکار و پنهان حکومت وقت می‌دهد:

- «نصیحت می‌کردم... بعضی به خواب غفلت پهلو بر بستر تن آسانی نهاده، ... یک روز که خندید که سالی نگریست؟!» (زیدری، ۱۳۸۱: ۳۹-۴۰). و راوی مخاطب را بدون رفت و آمد به پذیرش دلایل خویش که از جمله «عدم تمرکز و توجه حکومتیان به شرایط موجود است» مجاب می‌گرداند. سپس راوی در صفحات پایانی، واگویی‌های خویش را با مخاطب در میان می‌گذارد و قصد خود را از پرسش زیر، صحبت گشایی با او می‌داند.

- «شب رفت و حدیث ما به پایان نرسید- شب را چه گنه؟ حدیث ما بود دراز» (زیدری، ۱۳۸۱: ۱۱۱). نویسنده در موقعیت پرسشی دیگر، افسوس و حسرت «همراه با تعجب خود را با سلطان وقت که چندی است ناپیداست؛ بیان می‌دارد و شکوائیه‌ای را تقدیم می‌کند:



- « خود گیر، که بدان حدود، اجرت فاصدی بازپس نگذاشته ام، بتوان گفت که: « تخم نیکی نیز بنکاشته‌ام؟! » (همان، ۱۳۸۱: ۱۲۲).

همچنین در جدول یاد شده، کمترین بسامد به افعال دارای وجه امری با «۴۴» بار تکرار و «۴/۳۶» در صد اختصا ص یافت. در صیغه‌های امری، فرمانی به نفی و اثبات داده می‌شود، «صیغه‌های امر، حکمی را با همه‌ی تفاوت‌های ظریف معنایی آن می‌رساند: دستور، دعوت، نصیحت، خواهش و...» (لازار، ۱۳۸۴: ۱۷۹). وجه امری ناظر بر [گزاره‌ی] درخواستی است که در آن به اجبار یا تقاضا، امری درخواست می‌شود. به اعتقاد میشل پشو^۱ «واژه‌ها مطابق با مواضع اتخاذ شده به وسیله‌ی کسانی که آن‌ها به کار می‌برند، معنای خود را تغییر می‌دهند» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۶۷). این عقیده در مورد افعال به عنوان رکن مهم جمله مصداق دارد. آن چه در کاربرد وجه امری زبان فارسی اهمیت دارد نگرش گوینده به اجرای امر و فرمان از سوی مخاطب است. به نمونه‌هایی که زیدری از طریق کاربرد افعال با وجه امری به بیان احساسات و عواطف خود می‌پردازد، اشاره می‌شود:

- «اگرچه خون چون غصه به حلق آمده است، دم فرو خور و لب مگشای» (زیدری، ۱۳۸۱: ۵). راوی در عبارت بالا، درخواستی صمیمانه و محترمانه را برای خطاب به خود استفاده می‌کند و تا حدودی اراده و هیجان خود را به سوی انفعال، سکوت و خاموشی پیش می‌برد و خود را مجاب به پذیرش برخی شرایط می‌داند.

- «دل بر جهان منه، که جهان پایدار نیست - مشنو حدیث او، که به قول استوار نیست» (همان، ۱۳۸۱: ۵۰).

تقاضای راوی در عبارات بالا به اشکال فراگیر نمود می‌یابد و تجربیات تلخ و شیرین خود را با مخاطب در میان می‌گذارد. کارکرد گفتمانی وجه امری فوق نشان می‌دهد راوی در جایگاه کنش‌گری است که هر رویدادی را که روایت می‌کند خود نیز یکی از فاعلان آن است و این گونه قصد داشت واکنش‌های خود را با مخاطب در میان بگذارد. سپس نویسنده در آخرین عبارات پایانی می‌نویسد:

- «از آن روز بیندیش، که من می‌نگرم - در روی تو، تو در زمین می‌نگری» (زیدری، ۱۳۸۱: ۱۲۴). نویسنده کاربرد گفتمانی وجه امری فوق را در نهایت اطمینان و اعتماد به آرزوها و تقاضای خود به کار می‌گیرد و مخاطب در گزاره‌ی فوق هیچ نشانی از شک و تردید در تحقق آرزوی نویسنده نمی‌بیند راوی به پادشاه محبوب و نیز مخاطب نشان می‌دهد که آن‌ها راه دیگری جز پذیرش تقاضای فوق را نخواهند داشت و یکی از کارکردهای وجه امری، مشارکت خواننده و شنونده در متن است در این حالت، کلام از تک محوری، خارج، و نویسنده با مخاطبین وارد گفتگویی صمیمانه می‌شود. این شیوه‌ی بیان «به آرای پدیدار شناسان که در فرآیند تعیین معنا بر نقش محوری خواننده تاکید می‌کنند» (سلدن و ویدو سون، ۱۳۹۲: ۷۲)، هماهنگ است. در کاربرد این وجه فعل، خواننده از موجودی منفعل به بخشی از فرآیند ارتباطی تبدیل می‌شود و درگیر تفسیر گزاره یا پاره گفتار می‌گردد. آن چه در پایان بحث می‌توان گفت آن است که بیشتر معانی وجهی افعال از بُعد معنایی ناظر بر گزاره‌ی برداشت و درخواست است و اهداف گفتمانی آن حول محور معانی «درماندگی، اندوه، حسرت و تأسف» در گفته‌های متن نفی‌المصدر اشاره داشته است.

کارکردهای گفتمانی وجهی و جوه افعال در سطح تفسیر

¹ - Michelle Pashoo



فر کلاف می گوید مشخصات صوری متون شامل ارزش تجربی، رابطه ای، بیانی، پیوندی و یا ترکیبی از این موارد هستند و « من سه مورد اول را به سه جنبه عمل اجتماعی که ممکن است توسط قدرت، مشروط شوند (محتوا، روابط و فاعلان) و تأثیرات ساختاری آن ها (بردانش، باورها، روابط اجتماعی و هویت اجتماعی) مرتبط کردم. قدر مسلم به وسیله مشخصات صوری متن مستقیماً به این تأثیرات ساختاری بر ساخت یک جامعه نمی توان دست یافت، زیرا اصولاً نوع ارتباط متن و ساختارهای اجتماعی، رابطه ای غیر مستقیم است» (فر کلاف، ۱۳۹۸: ۱۹۱).

در تفسیر متن، ترکیبی از محتویات متن و ذهنیت (دانش زمینه ای) مفسر به کار بسته می شود. از نظر فر کلاف، قلمرو تفسیر زمینه ای متن، مانند زمینه های بینامتنی، بر آگاهی های پیشین، مانند نظم های اجتماعی و کنش متقابل تاریخی منطبق است. در این بخش به بررسی زمینه ای مشترک بافت بینامتنی دخیل در شکل گیری متن و وجه اشتراک آن با گفته های جاری در روایت نفثه المصدور می پردازیم.

ماجرای اصلی متن انتخاب شده در سطح تفسیر، در ماجرای تاریخی - سیاسی و ادبی روایت می شود. راوی، زیدری نسوی به بیان تهاجم و تخاصم گفتمان ها بر سر عوامل ایجاد کننده جنگ و خونریزی میان سلطان جلال المدین خوارزم شاه و تاتار و مغول می پردازد که سرانجام به شکست سلطان جلال الدین، مرگ او، از دست رفتن بخش عمده ای از خراسان بزرگ و به پیروزی تاتار و مغول می انجامد که بحران فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای خراسان و خراسانیان به وجود آورد. چنان که زیدری نسوی در شاخص های غیر شخصی - سلاح جنگی و قلم - نشان می دهد. به روایت او

- «شمشیر که آبداری وصف لازم او بودی، سرداری پیشه گرفته ... بلارک آبخورده تا خونخوار شده، خون، خوار شده» (زیدری، ۱۳۸۱: ۱-۲).

همچنین ذبیح الله صفا (۱۳۸۶) نیز موقعیت ایران را در عصر هجوم تاتار و مغول چنین توصیف می کند: «در این دوران پر آشوب و پرماجرا ویران کاران مغول و تاتار تاخت و تازهای پیاپی بلاخیز در ایران کردند و قسمت بزرگی از فلات پهناور ایران را در هم کوفتند» (صفا، ۱۳۸۶: ۳/۱). آن چه از موقعیت تفسیر و جوه افعال در متن نفثه المصدور می توان دریافت، آن است که نویسنده / گوینده از مولفه های گفتمان مدار و جوه افعال در بیان چه نوع وجهیت - وجه نمایی^۱ - استفاده کرده است؟.

وجهیت از مفاهیم زبان شناسی است و تعهد گوینده را نسبت به میزان درستی اجزای سخن یا نوع درخواست وی برای وقوع کنش مطرح در پاره گفتار را بازنمایی می کند. بسامد بالای وجه خبری «۹۰۷» بار تکرار «۸۹/۸۹» درصد در متن پیش روی نشان از وجهیت بیانی / ارزیابی از دیدگاه فر کلاف (۱۳۷۹) است یعنی با «وجهیت ارزیابی گوینده از صدق یک موضوع» (فر کلاف، ۱۳۷۹: ۱۹۳) روبرو هستیم، زیرا حتمی بودن رویدادها را در بر می گیرد که این قطعیت از شواهد و مدارک موجود در متن به وجود می آید. به ویژه بخشی از کاربرد وجه اخباری نفثه المصدور در مواردی است که راوی به بیان تجربیات خویش می پردازد و نشان می دهد که بر اوضاع و احوال پیرامون خود آگاهی دارد و تلاش او، آگاهی دادن به مخاطب است. بنابراین؛ تجربیات، باورها، احساسات و نگرانی های خود را در قالب وجه اخباری به مخاطب انتقال می دهد. همچنین مفاهیم گوناگونی در توصیف موقعیت و شرایط عصر زیدری نسوی در متن وجود دارد که نویسنده در پی آگاهی مخاطب از این موقعیت به دلیل اطمینان به

¹ - Modality



واقع شدن آن‌ها، با قاطعیت بیان می‌نماید که وجه اخباری نشان دهنده‌ی این قاطعیت است. بنابراین نویسنده در دفاع استراتژی گفتمانی خود سعی دارد کارکردهای وجهیت را به سمت وسوی «مغلطه» کاری سوق داده و از استراتژی زبانی بهره گرفته تا منازعه را به نفع خود تمام کند. همان‌طور که جدول بخش توصیف نشان می‌دهد نویسنده اخبار ضد و نقیض و حتی عواطف و احساسات خود را در پوششی از وجه خبری به سمع و نظر مخاطب می‌رساند.

بسامد وجه فعل پرسشی با «۵۸» بار تکرار - «۵/۷۴» درصد به بیان وجهیت پویا^۱ می‌پرداخت. به عقیده‌ی پالمر^۲ (۲۰۰۱) این وجهیت، بیان‌کننده‌ی توانایی، تمایل و خواستن هستند و ناظر بر کنش گر موجود در گزاره است» (پالمر، ۲۰۰۱: ۲۵). در وجهیت پویا یک نیروی بالقوه‌ی درونی شخص را به انجام کنش تحریض می‌کند، از این رو توانایی و خواستن در این وجهیت شرط درونی دارد» (پورتنر، ۲۰۰۸: ۸). وجهیت توان مندی/پویا، بیانگر توانایی یا قابلیت‌گوینده/فاعل جمله است. چنان‌که زیدری نسوی، کنش مندی خود را در اغلب موارد در ساختار جملات پرسشی نشان می‌دهد و از مخاطب تقاضایی منصفانه و معقولی دارد.

- «من غرقه دریای غم، کس گوید- با غرقه که: برسفینه نقشی می‌کن؟!» (زیدری، ۱۳۸۱: ۳). حتی از شخصیت‌های غایب در متن، درخواست می‌کند که می‌بایست پیش از زمان از دست رفته، ملزم به اجرای اصول و فرامین می‌بودند تا دچار چنین بحران و هرج و مرج نمی‌گشتند.

- «کو آن پادشاه که از سربازی به گوی بازی نپرداختی؟!» (زیدری، ۱۳۸۱: ۱۸-۱۹).

و یا در این عبارت:

- «هیئات، اندامی که به سال‌ها ... آزرده باشی، به مرهم یک هفته کجا مندمل شود؟!» (همان، ۱۳۸۱: ۲۷). در همه‌ی گزاره‌های فوق، گوینده/راوی، شخصیتی مطالبه‌گر نسبت به مسببان کشمکش، جنگ و آشوب در دستگاه حکومت است.

بسامد وجه فعل امری با «۴۴» بار تکرار - «۴/۳۶» درصد به بیان وجهیت «تاکیدی»^۳ می‌پرداخت. مدرسی (۱۳۸۶) می‌گوید وجه امری، نمودی از فعل است که وقوع یا وقوع نیافتن کاری را به صورت فرمان یا خواهش یا توصیه بخوادهد» (مدرسی، ۱۳۸۶: ۴۴۷). به عقیده‌ی لاینز^۴ (۱۳۹۱) جمله‌های امری، دسته‌ای از جمله‌هایی را تشکیل می‌دهند که نوعاً جمله‌های تاکیدی نامیده می‌شوند و برای امر، نهی، درخواست و... به کار می‌روند» (لاینز، ۱۳۹۱: ۲۸۴). وجه تاکیدی بر نوعی تاکید خاص در درخواست و فرمان دلالت دارد. متن ایدئولوژیک از میان وجوه فعل، وجه امری را چنان‌که کار می‌گیرد که سخن متضمن کنش و عمل باشد و شنونده را ملزم به تعهد به انجام عمل کند. کاربرد وجه امر، نشان دهنده‌ی ضرورت انجام یک عمل است. چنان‌که در متن نفثه‌المصدور آشکار است زیدری نسوی در ابتدا خود را ملزم به اجرای برخی دستورات می‌دانست. به طور مثال

- «اگر چه خون چون غصه به حلق آمده است، دم فرو خور و لب مگشای» (زیدری، ۱۳۸۱: ۵). و بلافاصله دلیل خاموشی و سکوت خود را در برابر حقایق این گونه می‌پنداشت:

1 - Dynamic modality

2 - Palmer

3 - Energetic

4 - Lines



**COMSTech Inter-Islamic Network
on Virtual Universities**

Holding time: March 2021

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

- «چه، مهربانی نیست که دل پردازی را شاید» (همان، ۱۳۸۱: ۵). بار دیگر از اصرار و پافشاری صرف نظر می‌کند و خود را مؤکد به انجام یک دستور می‌داند. از جمله؛
- «بنویس تا بدانند که آسیای دوران جان سنگین را چند به جان گرداینده است» (همان، ۱۳۸۱: ۹). سپس در هنگام نگارش اثرش، مخاطب را نیز با خود هم داستان می‌کند به روایت او:
- «بیا تا به سرنفته المصدور خویش باز شویم» (همان، ۱۳۸۱: ۴۸). و در هنگام نقل روایت، نویسنده در تلاش است که گزاره‌هایی همچون «احتیاط و پرهیز» را به مخاطب صمیمی خود تأکید کند.
- «از ارتفاع خرمن سپهر برخوردار می‌جوی، که ناپایدار است» (همان، ۱۳۸۱: ۴۹). و بدین ترتیب زیدری نسوی در تلاش است خود و مخاطب و یا حتی موافقان او نسبت به اجرای برخی نکات و شاخص‌ها که مهم و ضروری است، حساسیت نشان دهند.
- آن چه در پایان کارکردهای گفتمانی و جهت و جوه فعل با یاد گفت، آن است که نویسنده چگونه متن گفتمانی خود را با گفتمان بینامتنیت متصل می‌کند؟ و نکته‌ی حائز اهمیت این بخش همین است که بدانیم نویسنده- زیدری نسوی- از چه میان گفتمانی در درون گفتمان اصلی متن استفاده کرده است و این فصل بندی و میان گفتمانی چگونه مخاطب و واقعیت را باز نهایی می‌کند؟.
- نفته المصدور اثر زیدری نسوی از نثری بهره می‌برد که مملو از صناعات مختلف است. در میان این صنایع چنان که نصرتی و کهدویی (۱۳۹۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند؛ این است که تأثیر پذیری، به خصوص وام‌گیری و انواع اقتباس و تضمین با بسامد بالای خود در سراسر متن، از مهم‌ترین مولفه‌های سبکی مولف است. وام‌گیری و اقتباسات از منابع متفاوتی همچون؛ آیات، احادیث، اشعار، ضرب‌المثل‌ها و... و تأمین شده‌اند. این وام‌گرفته‌ها و مقتسبات، به شکل مختلفی در متن به کار رفته‌اند (نصرتی، کهدویی، ۱۳۹۴: ۲۰۹۵). این نوع گفتمان که سازنده هویت فرهنگی، معنوی، ملی و ایدئولوژیکی نویسنده است در درون گفتمان اصلی متن جاسازی شده است. برای مثال این گفتمان ویژگی‌هایی همچون؛ خدا محوری، مرگ اندیشی، بیهودگی ساز و کارهای دنیوی، گذرا بودن دنیا، بیهودگی عمر و درنهایت؛ محل و مسبب اصلی شروع تسلیم و پذیرش هر نوع موقعیت را به همراه داشته است.
- گفتمان یا میان گفتمان دیگری که در لابلای محتوای متن قرار دارد، گفتمان خودنویسنده است که به عنوان کارشناسی مستقل از جریانات به وقوع پیوسته است. به این ترتیب که از نگاه متن، گفتمان خود را با هویت سامان یافته و ساختارمند اعمال اقتدار می‌کند و برای شکل دادن به این هویت، آیات، احادیث، ضرب‌المثل، ابیات فارسی و عربی را به خدمت می‌گیرد تا متن گفتمان مقابل را به هر آن چه که ناکارآمد است، نسبت دهد. بر همین اساس، متن ادعایی خود را در قالب واقعیت که غیر قابل خدشه است، مطرح می‌کند. در حالی که با مراجعه به متون تاریخی و استفاده از تجارب نویسندگان دیگر از جمله: عظام ملک جوینی، دیبج الله صفا، ادوارد براون^۱، عباس اقبال آشتیانی و نیز تأمل در ساختار نظام حکومتی سلاطین خوارزم شاهیان نشان از آن دارد که هر آن چه در متن زیدری نسوی دیده می‌شود که در بیشتر موارد به دفاع و حمایت از حکومت و وقت می‌پرداخت، تفاوت بسیار داشته است.

¹- Edward Brown



**COMSTech Inter-Islamic Network
on Virtual Universities**

Holding time: March 2021

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

کارکردهای گفتمانی و جهت و جوه افعال در سطح تبیین

به عقیده‌ی فرکلاف^۱ زمینه‌ی اجتماعی گفتمان، واسطه دیگر رابطه‌ی متن و ساختارهای اجتماعی است؛ زیرا گفتمان‌هایی که در آن‌ها ارزش‌های این چنینی نهفته است، خود تنها به عنوان قسمت‌هایی از فرآیندهای نهادی و اجتماعی منازعه و به دلیل وجود پیش فرض‌های مبتنی بر عقل سلیم در گفتمان- که شامل ایدئولوژی‌های مختلف هم‌نوا با روابط قدرت است- جنبه واقعی به خود می‌گیرند و از نظر اجتماعی محقق می‌گردند. «رابطه گفتمان‌ها با فرآیندهای منازعه و روابط قدرت به مرحله سوم یعنی تبیین مربوط می‌شود» (فرکلاف، ۱۳۹۸: ۱۹۲).

هدف اصلی مرحله‌ی تبیین در تحلیل گفتمان انتقادی، بیان نقش دو مرحله‌ی توصیف و تفسیر در تولید و باز تولید قدرت نابرابر است. مطابق آن چه در بررسی گفتمان کارکرد‌های و جهت در متن نفثه المصدور (۱۳۸۱) با تصحیح و توضیح امیرحسین یزدگردی گذشت، این اثر از مجموعه‌ی کنش‌های رفتاری و جریاناتی شکل گرفته که نویسنده در روند روایت آن‌ها را شرح می‌دهد. سپس به دو عنصر مهم آن یعنی کشمکش، تفکر و ایدئولوژی راوی به عنوان دو شاخصه‌ی مهم با توجه به مقتضای سطح تبیین می‌پردازیم.

اثر نفثه المصدور دارای مضمونی سیاسی و تاریخی است لذا پیرنگ و رابطه علت و معلولی وقایع در سیطره‌ی جدال و مبارزه میان شخصیت‌های روایت با نیروهای متخاصم و مهاجم (تاتار و مغول) و یا با یکدیگر است. در متن این اثر، عنصر کشمکش و جدال و مبارزه میان همه شخصیت‌های روایت از بسامد بالایی برخوردار است و همین نقطه است که نیازمند به تبیین تفکر- ایدئولوژی- صاحب متن هستیم. بنابراین مهم‌ترین کارکرد تبیینی گفتمان و جهت اخباری در متن پیش روی، بازنمایی و برجسته سازی پیش فرض‌های مبتنی بر تاکید بر خصوصیات و فعالیت‌های اجتماعی مثبت (گروه‌ها) و منفی‌نمایی آن‌ها (گروه مقابل) و ناچیز انگاشتن و رفع تاکید از خصوصیات و فعالیت‌های مثبت (آن‌ها) و منفی‌نمایی (ما) انجام می‌شود و یادآور مربع ایدئولوژیک «ون دایک»^۲ است. مربع ایدئولوژیک، پیش‌بینی می‌کند که بیگانگان از هر نوعی بازنمودی منفی داشته و خودی‌ها همیشه بازنمودی مثبت دارند. این کار با تاکید و برجسته سازی خصوصیات و فعالیت‌های اجتماعی منفی آن‌ها و ناچیز انگاشتن خصوصیات و فعالیت‌های مثبت آن‌ها انجام می‌شود. این مربع ایدئولوژیک، از تمامی ابعاد زبانی یک متن، قابل مشاهده است. برای مثال اصطلاحات و تعبیرات مثبت، برای ارجاع به خود به کاررفته و تعبیرات و اصطلاحات منفی برای ارجاع به دیگران استفاده می‌شوند» (استاجی و حامدی شیروان، ۱۳۸۹: ۹۰) تانویسنده و گوینده را مجاب نموده که در روند وقوع حوادث، پیگیری مطالبات خود و موافقت‌اش باشد و البته برخی از واقعیت‌ها را نیز خارج از کنترل خود و حامیان خود بیان می‌کند.

کارکرد تبیینی گفتمان و جهت افعال پرسشی نشان می‌دهد که نویسنده، پرسش و پاسخ را اضطراری برای خود دانسته تا از طریق آن مخاطب را مجاب به تفکر و تأمل در برخی دلایل گوینده کند و با طرح گفتمان پرسشی، کنش‌گران بسیاری را به زیر تیغ محاکمه برده و عملکرد آن‌ها در معرض قضاوت عموم قرار دهد. همچنین کارکرد تبیینی گفتمان و جهت افعال امری آن است که نویسنده قصد داشته ضمن درگیر کردن مخاطب در فرآیند ایجاد معنا، خود نیز از حالت انفعال و گریز موجود بر کنار مانده و

¹- Farclough

²- Van Dyke



به پویایی و کُنش مندی گزاره‌ها افزوده باشد. در نهایت، نویسنده با کاربرد گفتمان وجهیت به اشکال مختلف در تلاش است اغراض محافظه کارانه، مُحاطانه و سیاست مدارانه‌ی خود را در پوششی از ابهام و گاه رمزگونه به مخاطب القاء نماید.

نتیجه بحث

نتیجه حاصل از گفتمان انتقادی وجوه افعال در سطح توصیف در متن نفثه المصدور نشان می‌دهد نویسنده در جملات با وجه خبری، با قطع و یقین و بدون شک و تردید به بیان موقعیت گفتمانی پرداخته است و نیز مبین میزان پایداری نویسنده به حقیقت گزاره هاست، بسامد بالای وجه خبری در متن نفثه المصدور گویای آن است که نویسنده در مقام فاعل و جایگاه اطلاع دهنده است و این متن به عنوان ابزاری قاطع برای ارسال پیام است.

وجه خبری و کارکرد گفتمانی آن در این متن، نشان می‌دهد گوینده به روی دادن یا ندادن فعل و یا وجود و عدم حالتی که از آن خبر می‌دهد، یقین دارد و اسناد در آن قابل صدق و کذب است. کارکرد وجه اخباری برای آن است که وقوع یا عدم وقوع فعل از نظر گوینده حتمی است. همچنین کاربرد وجه اخباری در برخی عبارات نشان دهنده‌ی روایت منفعلانه‌ی نویسنده است. در برخی روایت، قصد نویسنده برای انگیزش مخاطب نیست بلکه نوعی انتظار، حسرت و ناامیدی و استیصال را نشان می‌دهد. استفاده از وجه اخباری و زمان‌های فعل گذشته نشان از قطعیت رخداد است. روای حوادثی را گزارش می‌کند که در گذشته روی داده و وقوع آن پایان یافته است. بافت موقعیتی و حوادث به وقوع پیوسته همراه با وجوه اخباری در ساختاری متفاوت، بدان معنی است که نویسنده علاوه بر گزارش یک رویداد، ویژگی‌های روانی، جسمانی و حتی روحیه‌ی جنگاوری و نظامی و چابکی مهاجمان را نیز به تصویر می‌کشد.

کاربرد واحد گفتمانی جملات پرسشی برای مصارف متعدد از جمله: مفاهیم تمنی، آرزوی محال یا ممکن، استهزاء، تهکُّم و تمسخر، اخبار و آگاهی، یادآوری، توبیخ و سرزنش، عتاب و ملامت، تفخیم و بزرگداشت، تحسُّر و تأسُّف، عدم توجه و تمرکز پادشاه و صاحبان قدرت بوده است. همچنین نویسنده با استفاده از وجه پرسشی برای مخاطب روشن می‌سازد که در این گفتمان چه رویدادی رخ داده است؟!.

کاربرد افعال به صورت امری، برای گفتمان قدرت مدار در تقابل با افراد فرودست استفاده می‌شود یا به عبارت دیگر، کاربرد این نوع از وجه فعل مشخص می‌کند که گفتمان قدرت و سلطه در دست چه کسانی قرار دارد؟ نویسنده در متن نفثه المصدور، از این وجه به عنوان هشدار یا پیشنهاد، انگیزش و تحریک ذهن و قلم خود، ایجاد صمیمیت با مخاطب و از تاکید گفته‌مان امری برای هشدار، احتیاط، پرهیز و انتقال نگاه محتاطانه و زیرکانه‌ی خود به مخاطب استفاده می‌کند.

آن چه از موقعیت تفسیر وجهیت وجوه افعال متن نفثه المصدور می‌توان دریافت، آن است که بسامد بالای وجه خبری در این متن نشان از وجهیت بیانی/ارزیابی از دیدگاه فرکلانف (۱۳۷۹) دارد که حتمی بودن رویدادها را در بر می‌گیرد که این قطعیت از شواهد و مدارک موجود در متن به وجود می‌آید. به ویژه روای به بیان تجربیات خویش می‌پردازد و نشان می‌دهد که بر او ضاع و احوال پیرامون خود آگاهی دارد و تلاش او، آگاهی دادن به مخاطب است.



COMSTech Inter-Islamic Network
on Virtual Universities

Holding time: March 2021

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

بسامد وجه پرسشی دستوری در این متن بیانگر وجهیت پویا است. و زیدری نسوی، کنش مندی خود را در اغلب موارد در ساختار جملات پرسشی نشان می‌دهد و از مخاطب تقاضایی منصفانه و معقولی دارد.

بسامد وجه فعل امری به بیان وجهیت تأکیدی می‌پرداخت، چنان که در متن نفثه المصدور آشکار است زیدری نسوی، خود، موافقان و مخاطبان را ملزم به اجرای برخی دستورات می‌دانست.

مهم‌ترین کارکرد تبیینی گفتمان وجهیت فعل اخباری در این متن، بازندهایی و برجسته سازی پیش فرض های مبتنی بر تأکید بر خصوصیات و ویژگی های اجتماعی مثبت (گروه ما) و منفی نمایی گروه مقابل و ناچیز انگاشتن و رفع تأکید از خصوصیات و فعالیت های مثبت (آن ها) و منفی (ما) است. تا نویسنده، مخاطب را مجاب نموده که در روند وقوع حوادث، پیگیر مطالبات خود و موافقانش باشد.

کارکرد تبیینی گفتمان وجهیت فعل پرسشی دستوری نشان می‌دهد که نویسنده، پرسش و پاسخ را اضطراری برای خود دانسته تا از طریق آن مخاطب را مجاب به تفکر و تأمل در برخی دلایل گوینده کند و با طرح گفتمان پرسشی، کنش گران بسیاری را به زیر تیغ محاکمه برده و عملکرد آن‌ها را در معرض قضاوت عموم قرار دهد.

همچنین کارکرد تبیینی گفتمان وجهیت فعل امری آن است که نویسنده قصد داشته است ضمن درگیر کردن مخاطب در فرآیند ایجاد معنا، خود نیز از حالت انفعال و گریز موجود بر کنار مانده و به پویایی و کنش مندی گزاره‌ها افزوده باشد. بنابراین این پژوهش بر مبنای نظریه‌ی فرکلاف در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که: از کدام وجه‌ها در نفثه المصدور استفاده شده است؟ (خبری، پرسشی دستوری و امری) و کارکرد گفتمانی هر یک از وجوه مورد بررسی بر چه چیز یا چیزهایی دلالت دارد؟ (بیان وجهیت). نتایج حاصل از این تحقیق در پاسخ به پرسش اول این است که زیدری نسوی از گفته‌ها و وجوه افعال با توجه به جدول بخش توصیف به طور یکسان در متن خود استفاده نمی‌کند بلکه وجوه سه گانه‌ی اخباری، پرسشی و امری را بر حسب ضرورت و قصد و نیت خود به کار گرفته است. نتیجه تحقیق در پاسخ پرسش دوم این است کارکرد گفتمانی وجهیت فعل اخباری با بسامد «۹۰۷» بار تکرار - «۸۹/۸۹» درصد، بیشتر در بیان حقیقت‌های رخدادها که راوی عمیقاً به وجود آنان اعتقاد و اطمینان داشت و نیز بخش عمده‌ای از دغدغه‌های اوست، استفاده شده است. گاه نیز در القای دیدگاه‌ها و اصرار بر درستی آن‌ها، غالباً از واژگان هسته‌ای بهره برده است.

کارکرد گفتمانی وجهیت فعل پرسشی با بسامد «۵۸» بار تکرار - «۵/۷۴» درصد به این دلیل است که نویسنده قصد داشت عاملان و کارگزاران را به زیر تیغ محاکمه برده و عملکرد آن‌ها را در معرض قضاوت عموم قرار دهد. نویسنده با طرح چنین پرسش‌هایی سعی داشت مخاطبان را به تفکر و غافلان را به بیداری فراخواند.

در کارکرد گفتمانی وجهیت فعل امری با بسامد «۴۴» بار تکرار - «۴/۳۶» درصد، راوی در تلاش است با خطاب‌های مستقیم به مخاطب، ضمن درگیر کردن مخاطب در فرآیند ایجاد معنا، خود نیز از حالت انفعال و گریز موجود بر کنار مانده و در این بخش‌ها به پویایی و کنش مندی گزاره‌ها افزوده باشد.



کتابنامه

- آقا گل زاده، فردوس، ۱۳۹۰، مجموعه مقالات کارگاه تحلیل گفتمان، چاپ اول، تهران، گوتنبرگ
- ابن الرسول، سید محمدرضا و قربانی خانی، مرضیه و گل احمر، احسان، معانی غیرمستقیم جملات پرسشی از دیدگاه کاربردشناسی زبان و بلاغت عربی، فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، دوره سوم، پیاپی ۱۱، شماره ۳، ۱۳۹۰، ۱-۲۵
- استاجی، اعظم و حامدی شیروان، زهرا، بررسی تأثیر دو مولفه نحوی وجهیت و تعدی در بازنمود خود و دیگری در متون مطبوعاتی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ششم، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۸۹، ۸۵-۱۲۵
- اسدی، سمیه و عزیززاده، ناصر، ساختار نحوی معارف بهاء ولد بر اساس الگوی سبک‌شناسی لایه‌ای، فصلنامه متن‌شناسی ادب فارسی (علمی - پژوهشی)، معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان، سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم، شماره چهارم، پیاپی ۳۶، زمستان ۱۳۹۶، ۱-۲۱
- تاجیک، محمدرضا، ۱۳۷۹، گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران، فرهنگ گفتمان
- درپر، مریم، ۱۳۹۲، سبک‌شناسی انتقادی (سبک‌شناسی نامه‌های غزالی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، علم
- زیدری نسوی، شهاب‌الدین محمد، ۱۳۸۱، نفثه المصدر، تصحیح و توضیح امیرحسین یزدگردی، چاپ اول، تهران، توس
- سلدن، امان و ویدوسون، پیتر، ۱۳۹۲، راهنمای نظریه‌ای ادبی معاصر، تهران، طرح نو
- سیدی، سید حسین و حامدی شیروان، زهرا، تحلیل گفتمان آیات مربوط به قیامت در دو جزء آخر قرآن، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، سال ۱۸، شماره ۳، پیاپی ۷۱، پاییز ۱۳۹۱، ۴-۲۱
- شمیسا، سیروس، ۱۳۷۸، سبک‌شناسی نثر، چاپ سوم، تهران، میترا صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۸۶، تاریخ ادبیات در ایران، مجلد سوم، چاپ سیزدهم، تهران، فردوس
- عضدانلو، حمید، ۱۳۹۱، گفتمان و جامعه، چاپ دوم، تهران، نی
- فاضلی، محمد، گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال چهارم، شماره چهاردهم، ۱۰۷-۸۱ فتوحی، محمود، ۱۳۹۱، سبک‌شناسی، تهران، سخن
- فرشید ورد، خسرو، وجه فعل در فارسی معاصر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۷، ۱۳۵۰، ۲۱۸-۲۴۴
- فرکلاف، نورمن، ۱۳۷۹، تحلیل انتقادی گفتمان، گروه مترجمان: فاطمه شایسته پیران، شعبان علی بهرام پور، رضا ذو‌قدار مقدم، رامین کریمیان، پیروز ایزدی، محمود نیستانی، محمدجواد غلامرضا کاشی، چاپ اول، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
- فرکلاف، نورمن، ۱۳۹۸، تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه روح‌الله قاسمی، چاپ اول، تهران، اندیشه احسان
- قجری، حسینعلی و نظری، جواد، ۱۳۹۲، کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی، چاپ اول، تهران، جامعه‌شناسان
- قربانی جویباری، کلثوم، بازنمود هویت زنانه هویت در مجموعه داستان حتی وقتی می‌خندیم فریاد و فی با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف، مجله زبان و ادبیات فارسی (علمی - پژوهشی) (۲۸) ISC، شماره ۷۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ۲۴۶-۲۱۹
- لازار، ژیلبر، ۱۳۸۴، دستور زبان فارسی معاصر، ترجمه مهستی بحرینی، چاپ اول، تهران، هرمس



لایز، جان، ۱۳۹۱، درآمدی بر معناشناسی زبان، ترجمه کوروش صفوی، تهران، علمی

مدرسی، فاطمه، ۱۳۸۶، ازواج تا جمله؛ فرهنگ زبان شناسی دستوری، تهران، چاپار

میرزایاتی، مهین و علوی مقدم، مهیار و استاجی، ابراهیم و شهپرداد، کتابیون، تحلیل گفتمان انتقادی مفهوم قدرت در دفتر اول رمان روزگار سپری شده مردم سالخورده (اقلیم باد) براساس الگوی گفتمان نورمن فرکلانف، ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دو فصلنامه علمی (علمی - پژوهشی)، سال نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ۳۸۵-۳۶۳

نصرتی، مهرداد و کهدویی، محمد کاظم، بررسی اقتباسات قرآنی نفثه المصدور زیدری بر محور تأثیرات بینامتنی، هشتمین همایش پژوهش های زبان و ادبیات فارسی، بهمن ۱۳۹۴، ۲۰۹۷-۲۰۸۳

نوردگارد، نینا و بوسه، بثاتریکس و مونتورو، روسیو، ۱۳۹۴، فرهنگ سبک شناسی، ترجمه احمد رضا جمکرانی، مسعود فرهنگد فر، تهران، مروارید

ون دایک، تئون ای، ۱۳۸۹، مطالعه گفتمان: مطالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، گروه مترجمان: پیروز ایزدی، شعبان علی بهرام پور، علیرضا خرمایی، محمد جواد غلامرضا کاشی، تزامیرفخرایی، چاپ سوم، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها

هلیدی، مایکل و حسن، رقیه، ۱۳۹۳، زبان، بافت و متن، برگردان محسن نوبخت، چاپ اول، تهران، سپاهرود

یارمحمدی، لطف الله، ۱۳۹۳، گفتمان شناسی رایج و انتقادی، چاپ اول، تهران، هرمس

یارمحمدی، لطف الله، ۱۳۹۵، تجزیه و تحلیل مقابله ای گفتمان شناختی، چاپ اول، تهران، هرمس

- Carter, R. (1987). Lexis, style and Newspaper Reports, in Ghadessy, M
- Fowler , R. (1987). Linguistic criticism. Oxford: oxford university press
- Fairclough, N. (1989). Language and power. Landon: Langman
- Haliday, M.A.K. (1985). Anintroduction to Functional Grammer. Edward Arnold
- Jeffris.L. (2010). Critical stylistics . The power of English. Hound mills Basinstoke: palgrave Macmillan
- Palmer, F.R. (2001), Mood and Modality . Cambridge : Cambridge university Press
- Portner, Paul . (2008). Modality. Georgetown university